



۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - شعبان جعفری  
و اوپاش طرفدار شاه در خیابان های تهران

## دکتر رضایی: نفوذی‌ها و جاهلان بلای جان نهضت بودند

**نوائیان** – پیگانگان، نهضت ملی شدن صنعت نفت را به دست عوامل داخلی خودشان به انحراف و شکست کشاندند. نفوذی‌ها از یک طرف و افراد آگاه و جاهلی که با افراط و تفریط‌های خودشان، جاده صاف‌کن جریان نفوذ بودند، از طرف دیگر، پایان آن نهضت مردمی را رقم زدند. دکتر مسعود رضایی، تاریخ‌پژوه و مدرس تاریخ معاصر ایران معتقد است که نباید حضور نفوذی‌ها را در جریان سقوط نهضت ملی شدن صنعت نفت دست کم گرفت و این مسئله را باید یکی از عبرت‌های جدی‌ای بدانیم که می‌شود از ماجرای کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به دست آورد. او در کنار این موضوع، مسئله دشمن‌شناسی را هم مهم و ضروری می‌داند و اعتقاد دارد که اگر در ماجرای نهضت ملی شدن صنعت نفت، جریان‌های هوادار استقلال و کرامت ایران، در عرصه دشمن‌شناسی درست عمل می‌کردند و در تشخیص منافع ملی دچار ضعف و کوتاهی نمی‌شدند، عاقبت کار به شکل دیگری رقم می‌خورد و نهضت به قهقریایی که دچار شد، نمی‌رسید. دکتر رضایی، توجه به ابزارها و شیوه‌ها را هم برای حصول به هدف ضروری می‌داند و این مسئله را هم به عنوان یکی از عبرت‌های کودتای ۲۸ مرداد، مدنظر قرار می‌دهد. آن‌چه در پی می‌آید، مشروح گفت‌وگوی خراسان با این محقق فعال تاریخ معاصر ایران است.

### ■ دشمن‌شناسی ضروری است

به اعتقاد من، نخستین درسی که باید از ماجرای کودتای ۲۸ مرداد و اتفاقات قبل و بعد از آن آموخت، توجه به مقوله دشمن‌شناسی است؛ این‌که دقیقاً بدانیم چه کسانی دوست ما هستند، ولو این‌که به ما با اختلاف نظر دارند و چه کسانی دشمنان ما هستند، ولو این‌که به ما لیخند می‌زنند و چهره دوستانه به خود می‌گیرند. یکی از مشکلات اساسی آن دوره، یعنی دورانی که کودتای ۲۸ مرداد اتفاق افتاد، این بود که دوستان نتوانستند درست یکدیگر را پیدا کنند و البته، دشمن اصلی، واقعی و مشترک خودشان را بشناسند که اگر این اتفاق افتاده بود، اصولاً کودتای ۲۸ مرداد رقم نمی‌خورد یا به نتیجه نمی‌رسید. بحث دیگر، توجه و شناخت صحیح و مؤثر منافع ملی است. باید تشخیص داد در این عرصه دقیق باشد و در مسیر تحقق این منافع گام برداریم. توجه داشته باشید که وقتی درباره منافع این حرف می‌زنیم، صحبت از شیوه‌ها و ابزارهای دستیابی به این منافع هم مطرح است که باید مد نظر گرفته شود. ای بسا افرادی که مدعی هستند در مسیر منافع ملی گام برمی‌دارند، اما شیوه و ابزار انتخابی آن‌ها، هیچ تناسبی با هدفشان ندارد و به همین دلیل، نه تنها به مقصد نمی‌رسند، بلکه ممکن است از جایی سر در بیاورند که درست نقطه مقابل منافع ملی باشد. نکته دیگری که باید آن را ذیل موضوع وحدت نیروهای مدافع استقلال، عزت و کرامت ایران بررسی کنیم، مسئله شناخت نفوذی‌هاست. مسئله نفوذی‌ها و ضرباتی که به نهضت ملی شدن صنعت نفت وارد کردند و نقشی که در شکل‌گیری و اجرای کودتای ۲۸ مرداد داشتند، اصلاً مسئله ساده و پیش‌پا افتاده‌ای نیست. در قضیه کودتا، این نفوذی‌ها هستند که دست به تخریب گسترده چهره‌های نهضت و دستاوردهای آن می‌زنند؛ رابطه‌ها را تضعیف می‌کنند و دوستی‌ها و همدلی‌ها را برهم می‌زنند و از بین می‌برند. البته بخشی از این کار، دست نفوذی‌ها نیست و باید آن را حاصل عمل افراد و عوامل جاهل و نادانی بدانیم که ای بسا به جریان نفوذی هم وابسته نیستند، اما با افراط و تندروی‌های خودشان و احساساتی که درباره موضوعات پیش‌پا افتاده به خرج می‌دهند و البته فقدان بصیرت و بینش لازم برای ورود به عرصه‌هایی که در آن فعال هستند، ضرباتی جبران‌ناپذیر به منافع ملی وارد می‌کنند. این گروه، با ایجاد فضای هیجانی، کار را به دشمنی و تخاصم داخلی می‌کشند و باعث می‌شوند که فضا برای نفوذی‌هایی که می‌دانند دارند چه می‌کنند، فراهم شود. به نظر من یکی از درس‌ها و عبرت‌های مهم واقع‌کودتای ۲۸ مرداد این است

که بدانیم، مجموعه عوامل نفوذی و جاهل، می‌توانند چه بلای مهلکی را بر سر حرکت‌های استقلال‌خواهانه و افرادی که در مسیر تحقق منافع ملی گام برمی‌دارند، بیاورند. در واقع باید نفوذی‌ها و جاهلان را بالای جان نهضت ملی شدن صنعت نفت بدانیم.



## پرونده ویژه روزنامه خراسان به مناسبت سالروز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

# لاف ایران دوستی پهلوی‌ها در ترازوی کودتا

در گفت‌وگو با دکتر موسی حقانی، دکتر جواد منصوری و دکتر مسعود رضایی، استادان تاریخ معاصر ابعاد مختلف یکی از ضد ایرانی‌ترین رویدادهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را واکاوی کرده‌ایم

کند، آلت دست پیگانگان شود و نقشی اساسی در ساقط کردن این نهضت ملی و بر باد دادن ثروت‌های مادی و معنوی ایرانیان بر عهده بگیرد. در این واقعه هولناک، شاه‌البته تنها نبود؛ خواهرش اشرف، اعضای خانواده‌اش، دربار و همین‌طور وابستگان و جماعت‌لات و لمپنی که برای کسب حداقل منافع، همه ارزش‌های انسانی را کنار می‌گذارند، همراه محمد رضا پهلوی بودند. کودتای ۲۸ مرداد، بی‌تردید، محکمی مناسب برای سنجیدن لاف ایران دوستی پهلوی‌هاست؛ کسانی که می‌کوشند پیشینه خود را در پس گذر زمان و با اتکا به حافظه محدود تاریخی مردم، انکار کنند یا دست کم نادیده بگیرند؛ اما تاریخ و شواهد آن، اظهار من الشمس است. به مناسبت سالروز کودتای ۲۸ مرداد، در گفت‌وگو با استادان تاریخ، ابعاد مختلف، نتایج و عبرت‌های این واقعه غم‌فرا را، در پرونده‌ای ویژه، مورد ارزیابی قرار داده‌ایم.

**گروه تاریخ** – ۶۹ سال از روزهایی که بالاخره آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، با نقشه‌ای مشترک و حساب‌شده، عوامل داخلی خودشان را به کار گرفتند و باعث شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت شدند، می‌گذرد. محمد رضا پهلوی در هماهنگی کامل با کودتاگران، در ۲۵ مرداد سال ۱۳۳۲، فرمان عزل دکتر مصدق را صادر کرد، اما وقتی نقشه «۸» عملیات آژاکس شکست خورد، بز دلانه به آن سوی مرزها گریخت و زمانی به کشور باز گشت که کودتاچیان در ۲۸ مرداد، جاده را برایش صاف کرده بودند! شاه می‌دانست که نهضت ملی شدن صنعت نفت، یکی از مردمی‌ترین و ایرانی‌ترین جریان‌های تاریخ سرزمین ماست؛ او می‌دانست که ملت برای کسب دستاوردهای این نهضت چه خون‌ها داده و چه هزینه سنگینی را متقبل کرده‌است. با این حال، عطش قدرت‌ورسیدن به دیکتاتوری‌ای که پدرش واجد تمام عیار آن بود، باعث شد که به آرمان‌های ملت‌ش پشت

## دکتر منصوری: کاهش سطح «وحدت ملی» باعث غلبه کودتاگران شد

**رودسری** – در جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، اختلاف و چنددستگی میان مردم، عامل اساسی غلبه کودتاچی‌ها بود. این را دکتر جواد منصوری، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران و سفیر اسبق کشورمان در چین و پاکستان می‌گوید. او معتقد است مهم‌ترین عبرتی که می‌توان از واقعه کودتای ۲۸ مرداد گرفت و آن را درآینده و برای همیشه به کار بست، توجه به وحدت ملی و دوری از هر عامل و فتنه‌ای است که به این اصل راهبردی خدشه وارد می‌کند. آن‌چه در ادامه می‌خوانید، مشروح سخنان او با خراسان درباره عبرت‌های کودتای ۲۸ مرداد و زمینه‌های شکل گرفتن ضد ایرانی‌ترین رویداد دوران قبل از انقلاب است. دکتر منصوری، افزون بر وحدت ملی، توجه بیشتر به موقعیت ژئوپولیتیک ایران را هم به عنوان یکی از عبرت‌های قابل احصای کودتا مد نظر قرار می‌دهد و معتقد است ما باید به دلیل ظرفیت ویژه‌ای که در حوزه مواد معدنی داریم و موقعیت جغرافیایی خاصی که در آن قرار گرفته‌ایم، همواره نسبت به اقدامات بیگانگان هوشیار باشیم.

### ■ وحدت؛ کلیدواژه پیروزی

آمریکایی‌ها خودشان خوب می‌دانند که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نزدیک ایرانیان بی‌آبرو شدند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا ضمن یک سخنرانی به این نکته اشاره کرد و گفت: آن‌چه در ایران اتفاق افتاد، نتیجه کاری بود که ما در سال ۱۹۵۳، یعنی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، انجام دادیم. جریان کودتا و اتفاقاتی که در آن رخ داد، هزینه سنگینی به مردم ما تحمیل کرد و به همین دلیل، باید از تجربه و عبرت‌های آن، درس بگیریم. به اعتقاد من، نخستین درسی که باید از این رویداد و نتایج آن گرفت، تکیه بر داشته‌های خود است؛ ما باید به آن‌چه داریم، به نیروها و توانایی خودمان در تمام امور متکی باشیم و اگر قرار است فناوری یا هر چیز دیگری را از خارج اخذ کنیم، باید حواسمان باشد که این بهره‌گیری، صرفاً جنبه تکمیل توانایی‌های خودمان را نداشته باشد. باید مراقب باشیم که استفاده از دانش و فناوری خارجی، ما را به‌طور طه وابستگی نیندازد. نکته دیگری که باید آن را با استفاده از تجربیات و عبرت‌های واقعه کودتای ۲۸ مرداد حتماً مد نظر قرار دهیم، توجه ویژه و بسیار جدی به وحدت ملی است؛ وحدت ملی باید به هر قیمتی حفظ شود. مایل‌ترین ضربه را در جریان کودتا، از ناحیه تفرقه و اختلافات داخلی خوردیم و کاهش سطح وحدت ملی، باعث غلبه کودتاگران شد. همین اختلافات بود که به دشمنان نهضت، مجال تکاپو و فعالیت داد و عرصه را برای اقدامات آن‌ها فراهم کرد و در نهایت باعث موفقیت آن‌ها در اجرای طرح‌هایشان شد. تفرقه و تضعیف وحدت ملی، به شدت استقلال و توانایی‌های یک ملت را تضعیف می‌کند. ما می‌توانیم این مسئله را در بررسی تاریخ ایران و دیگر کشور های دنیا، به خوبی ببینیم.

### ■ درسی که باید از امام (ره) گرفت

به همین دلیل، حضرت امام (ره) بعد از سال ۱۳۴۱ ش و شروع نهضت، این قدر بر مسئله وحدت تأکید داشت؛ اصلاً اگر بیانات و نوشته‌های ایشان را مرور کنید، می‌بینید که وحدت، یکی از پرکاربردترین و اساسا کلیدواژه‌های اصلی آن‌هاست. این یک نگاه منطقی است؛ مجموعه قدرت مردم و همبستگی آن‌ها، باعث به وجود آمدن ظرفیتهای غیر قابل تعرضی می‌شود که بیگانگان و دشمنان خارجی، به راحتی نمی‌توانند بر آن غلبه کنند و در واقع، هزینه هر اقدامی را علیه ملت متحد، به شدت بالا می‌برد. بزرگ‌ترین اهرم پیروزی بر قدرت‌های استکباری همین وحدت و همدلی است. طاغوت‌ها، در همه ادوار تاریخ، می‌خواستند با ایجاد تفرقه، حکومت خود را پایدار کنند. در آیه چهار سوره قصص، درباره سیاست فرعون برای کنترل مردم می‌خوانیم: «جَعَلَ أَهْلَهَا شُعَبًا، و مردم را گروه گروه می‌کرد، بین آن‌ها تفرقه می‌انداخت، علیه یکدیگر به کار می‌گرفت تا بتواند به حکومت خودش ادامه دهد، قدرت خودش را حفظ کند و مانع شکل گرفتن اعتراضات و مخالفت‌های مؤثر علیه خودش شود. این نکته بسیار مهمی است که باید در تحلیل و عبرت‌گیری و وقایع مربوط به کودتای ۲۸ مرداد مورد توجه قرار دهیم. نکته دیگری که باید نسبت به آن حساس باشیم، موقعیت جغرافیایی کشور ما و منابع طبیعی سرشار آن است که در طول تاریخ، همواره محل طمع حکومت‌های سلطه‌گر بوده. باید توجه داشته باشیم که قدرت‌های استعمارگر، هیچ‌گاه از سوداگری و میل به چپاول ثروت‌های ماک‌وتاه نمی‌آیند.



### دکتر حقانی در گفت‌وگو با خراسان مطرح کرد

## کاربرد وقایع کودتای ۲۸ مرداد در «جهاد تبیین»

**جواد نوائیان رودسری** – ملک الشعرای بهار در فرای از قصیده بلند و زیبای «پایم ایران» سروده است: «گذشته پایه و بنیان حال و آینده است / سوابق است که هر شغل را نظام دهد». نگاه به حوادث تلخ و شیرین گذشته و به خصوص استفاده از عبرت‌های رویدادهای تلخ و پر هزینه، یکی از راهکارهای کسب توفیق در طی طریق پیش‌روست. بنابر این، آن‌چه در بررسی کودتای ۲۸ مرداد و نتایج آن ضرورت دارد، تنها پرداختن به جزئیات و اسناد این واقعه نیست؛ بلکه باید بتوانیم با توجه به آورده‌ها و شواهد تاریخی، عبرت‌های متناسبی را برای عبور از گردنه‌های سرنوشت‌ساز آینده به دست آوریم. این نگاه به تاریخ، نگاهی پویا و کاربردی است که در گفت‌وگو با دکتر موسی حقانی، رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، در پی آن بوده‌ایم. آن‌چه در ادامه می‌خوانید، مشروح صحبت‌های این پژوهشگر برجسته تاریخ معاصر ایران، درباره چرایی و چگونگی وقوع کودتای ۲۸ مرداد و عبرت‌هایی است که باید از آن گرفت و در آینده، برای کسب موفقیت از آن‌ها بهره برد.

### ■ عملیات جنگ نرم علیه نهضت

اگر قرار باشد ماجرای کودتای ۲۸ مرداد را تنها در بازه زمانی اجرای آن، یعنی مثلاً از روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بررسی کنیم، شاید نتوان عبرت‌های چندانی در آن یافت؛ الا این‌که به مسئله فعال عمل نکردن دکتر مصدق در این بازه زمانی توجه داشته باشیم؛ اقدامی که اگر او به آن توجه می‌کرد، می‌توانست جلوی به نتیجه رسیدن کودتا را بگیرد و کار به سقوط دولت او و ضربه اساسی زدن به نهضت ملی شدن صنعت نفت، نکشد. با این حال، اگر به نگاهمان وسعت بدهیم و ماجرای کودتا را در یک بستری زمانی مناسب بررسی کنیم، به نتایج بهتر و عبرت‌های قابل ارائه‌تری می‌رسیم. از حدود یک سال و نیم قبل از وقوع کودتا، یک عملیات گسترده جنگ نرم، به‌نقطه‌ای که دولت دکتر مصدق، بلکه به صورت گسترده، علیه نهضت ملی شدن صنعت نفت آغاز شد؛ طبیعی بود که در این حمله همه‌جانبه، دکتر مصدق هم که اجراکننده قانون ملی شدن صنعت نفت بود، هدف تر کش‌های این جنگ نرم قرار بگیرد. طی این بازه زمانی یک سال و نیم، تمام تلاش گردانندگان این جنگ نرم، در درجه اول، این بود که بین صفوف طرفداران نهضت اختلاف ایجاد کنند و آن‌ها هم به آیت‌ا... کاشانی حمله می‌کردند و هم به دکتر مصدق؛ تقریباً از هر فضا و موقعیتی که می‌شد برای آدام‌زن‌دن به اختلافات استفاده کرد، بهره‌می‌بردند. این هجوم همه‌جانبه بود، افراد، شخصیت‌ها و حتی مواضع، از این همه‌در امان نبودند. در نهایت هم نتوانستند هبران نهضت را مقابل یکدیگر قرار دهند و به نتایج مدنظرشان برسند. نتیجه این اقدام، ایجاد دوگانگی شدید در کشور بود؛ طرفداران آیت‌ا... کاشانی و دکتر مصدق، ر و در روی هم قرار گرفتند. این جریان، رجال سیاسی و نخبگانی را هم که در برابر نهضت ملی شدن صنعت نفت، به دلایل مختلف، ساز مخالف می‌زدند، مورد توجه قرار داد و از ظرفیت‌های مختلف آن‌ها، از جمله ظرفیت رسانه‌ای، در راستای تحقق اهدافش استفاده کرد. این اختلاف گسترده در شرایطی بر نهضت حاکم شد که کشور مادر محاصره بود، نمی‌توانستیم نفت صادر کنیم. انگلیسی‌ها با کمک متحدانشان، تحریم‌های گسترده‌ای را علیه دولت ایران سازمان‌دهی کرده بودند. این موضوع، یعنی تحریم‌های گسترده، آسیبی جدی به ساختار معیشتی زندگی مردم وارد کرده بود و دشمنان ایران، از این بستر برای رسیدن به اهدافشان خیلی استفاده می‌کردند؛ در تلاش بودند که اولاً، مردم را به کار آمدی دولت به عنوان مجری قانون ملی شدن صنعت نفت، بدبین کنند و ثانیاً، این‌طور در ذهن عامه جابجیندازند که اصل نهضت ملی شدن صنعت نفت هم، کار عبث و بیهوده‌ای بوده است و ایرانی‌ها بری تحقق توقع و تمنّایی بوده‌اند که اصولاً شدنی نیست. در یک کلام، رویه‌ای بود که مردم ایران را از نهضت ملی شدن صنعت نفت که برای به‌ثمر رسیدنش، آن‌ها همه فداکاری و ایثار کرده بودند، ناامید کند و به ویژه، این ناامیدی را به آینده بسط بدهند. بنابر این، در تحلیل رویداد کودتای ۲۸ مرداد و برای شناخت و استخراج عبرت‌های آن، باید به این موارد توجه ویژه داشته باشیم.

### ■ فعال عمل کردن و حساسیت داشتن

به اعتقاد من، نخستین عبرتی که می‌توان از ماجرای ملی شدن صنعت نفت و مناسفانه فرجام شومی که گریبان آن را گرفت، به دست آورد، حساسیت داشتن نسبت به تحركات دشمن و به ویژه جنگ روانی او برای رسیدن به اهدافی است که دارد. باید این حساسیت را در میان مردم و به ویژه نخبگانمان